



مجله حقوقی



دوره ۸ - شماره ۲۳ - بهار ۱۴۰۴

- تحلیلی بر مقایسه تغییرات اساسی در مقررات یو.سی.پی ۵۰۰ و یو.سی.پی ۶۰۰
همایون مافی، سودابه اسدیان
عدالت قضایی در قوانین کیفری اسلام
ابوالفتح خالقی، مریم خلیل دخت
تأثیر بیماری‌های فراگیر بر گسترش تروریسم
محسن مولائی فرد، هادی مسعودی
بزه دیدگی زنان در خانواده: راهکارها و مبانیت حمایت کیفری از آنان
سیدعلیرضا میرکمالی، زهرا محمودی، امید زینالی
چالش‌ها و راهبردهای اجرایی شدن حجاب و عفاف
محمود حبیبی تبار، نرگس زندی علی آبادی
نقد آیین نامه ماده سوم قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول
کوثر نظری، ابراهیم باقوتی
مطالعه تطبیقی اصل حسن‌نیت در حقوق ایران و فرانسه بر پایه اصلاحات ۲۰۱۶
اکبر عظیمی
واکاوی شناسایی حق بر محیط زیست در پرتو اسناد بین المللی و رویه های قضایی
مونا دوانلو
تأملی در روند هوش مصنوعی در پیشگیری از جرم
علی نجفی، سیدمحسن موسوی
نابرابری جنسیتی در اشتغال زنان استان سیستان و بلوچستان: بررسی عوامل اجتماعی و سیاسی
ابوالحسن جنتی، زینب هاشمی باغی
نقد و تحلیل تطبیقی ماهیت قراردادهای هوشمند در نظام‌های حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا
امل سلیمانی، مریم اسکندری
تحلیل تطبیقی جرم تصرف عدوانی اموال منقول در حقوق ایران و انگلستان: مبانیت، ارکان و ضمانت های اجرایی
امیرمحمد ماهرخ، سعید بابایی
صلح در حقوق ایران: تحلیل تطبیقی با دیگر راه های حل و فصل اختلافات
محمدباقر پارساپور، اعظم لطفی نیستانک
آثار حقوقی و پیامدهای استناد به قاعده ضرورت در حقوق بین‌الملل
سیدمحمدپیرام بطحایی
تحلیل جرایم مرتبط با زمین خواری در حقوق کیفری ایران و فرانسه
وحید کیومرثی
بررسی خسارت ناشی از خسارت در حقوق ایران و کنوانسیون بیع بین المللی کالا
امیرمحمد توکلی، ستایش حاج رحیملی طهرانی
مقایسه تحریم‌های یکجانبه و تحریم‌های شورای امنیت: تحلیل حقوقی و پیامدهای فرامرزی
سیدفواد علوی، علی تقی‌زاده، محمدجواد قصابی‌فرد
جرایم و حوادث ناشی از کار در حقوق ایران و فرانسه
سیماسوداگر
جایگاه حقوقی کاربرد سلاح های شیمیایی از سوی عراق علیه ایران از منظر حقوق بین الملل
سارا فرزادی مهر، مجتبی نظیف، قاسم مقدمیان، اسماعیل عموری
سیاست جنایی مجازات های جایگزین‌های حبس در جرایم نبروهای مسلح ایالات متحده آمریکا
امیرحسن ابوالحسنی، سیدحبیبی علوی، الهام زارع
قرارداد حمل و نقل کالا در نظام حقوقی ایران و فرانسه
مهشید سادات طبایی، فهیمه طاهرلو
استقرار قوانین هوش مصنوعی در مبارزه با پولشویی و بازیابی دارایی‌ها
علی موید احمدی، امیررضا محمودی
مالکیت مریخ در پرتو معاهده فضای ماورای جو ۱۹۶۷ میلادی: تحلیل حقوقی تعارضات و راهکارها
مهدی قره داغی
تحلیل سیاست کیفری قانونگذار ایرانی در قبال جرایم تروریستی: چالش‌ها و راه کارها
مصطفی رضایی
تعارض اصول حاکم بر اراضی شهری با حقوق مالکانه در نظام حقوقی ایران
سیدمحمدباقر حقایقی، فرزین یزدان پناه، حمیدرضا کناری زاده
بررسی فقهی-حقوقی عدم لزوم ترتیب اثر به شرط حق طلاق زوجه در عقدنامه های نکاح
وحید پارسایی دادرس
جایگاه تفسیر قرارداد در نظام حقوقی ایران
اصلان علیزاده، اسماعیل حسینی
اجرای آرای دیوان داوری ورزش در سطح ملی
سپیده احمدیان فرد
چبران خسارت ضرر شخصی در شبه جرم و مصادیق آن در قوانین کیفری: بررسی حقوقی و قضایی
میثم حسینی زاده
بررسی فقهی و حقوقی لجاج مصنوعی در ایران
فاطمه معزی، هانیه اکبری، هادی روستا



Recognition of the Right to the Environment in the Light of International Documents and Judicial Procedures

شناسایی حق بر محیط زیست در پرتو اسناد بین‌المللی و رویه‌های قضایی

Mona Davanlou

PhD in Environmental Law, Lecturer, Islamic Azad University, Law Department, Tehran, Iran

مونا دوانلو

دکتری حقوق محیط‌زیست، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی، گروه حقوق، تهران، ایران
mn.dvnl@gmail.com
<http://orcid.org/0009-0005-9229-2761>

Abstract

The environment is considered the common heritage of humanity and a public trust. Given the international community's understanding of the importance of the environment and the shift from human-centered to ecosystem-centered, it is essential that the right to the environment be recognized as one of the fundamental human rights. The strong and effective relationship between environmental degradation and pollution and the resulting weakening of human rights explains the deep and close link between environmental protection and human rights. This research, written in a descriptive-analytical manner, aims to outline the path and process of the international community's efforts to recognize the right to the environment through an examination of important international and regional documents as well as judicial procedures in existing human rights systems. The results of this research indicate that despite the acceptance of the importance of the environment for the realization of human rights, none of the human rights documents have recognized the right to the environment. Recognizing the right to the environment, along with other fundamental human rights, can be fruitful and useful in legally protecting this right, on which human life depends.

Keywords: Human Rights, Environment, Aarhus Convention, International Documents, Regional System.

چکیده

محیط زیست به‌عنوان میراث مشترک بشریت و امانت عمومی تلقی می‌شود. با توجه به درک جامعه بین‌المللی از اهمیت محیط زیست و تغییر جهت از انسان‌محوری به اکوسیستم‌محوری، ضرورت دارد که حق بر محیط زیست به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین بشری مورد شناسایی قرار گیرد. رابطه قوی و مؤثر تخریب و آلودگی محیط زیست و تضعیف حقوق انسانی ناشی از آن، پیوند عمیق و تنگاتنگ حفاظت از محیط زیست و حقوق بشر را تبیین می‌کند. این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی نگارش شده، درصدد است تا از رهگذر بررسی اسناد مهم بین‌المللی و منطقه‌ای و همچنین رویه‌های قضایی در سیستم‌های حقوق بشری موجود، مسیر و روند تلاش‌های جامعه بین‌المللی را درباره شناسایی حق بر محیط زیست ترسیم نماید. نتایج این پژوهش، حاکی از این موضوع است که با وجود پذیرش اهمیت محیط زیست برای تحقق حقوق بشر، هیچ یک از اسناد حقوق بشری، حق بر محیط زیست را شناسایی نکرده‌اند. شناسایی حق بر محیط زیست، در کنار سایر حقوق بنیادین بشری، می‌تواند در حمایت قانونی از این حق که حیات بشری در گرو حمایت از آن است، ثمربخش و مفیدفایده باشد.

واژگان کلیدی: حقوق بشر، محیط زیست، کنوانسیون آرهوس، اسناد بین‌المللی، سیستم منطقه‌ای.

Received: 2024/06/27 - Review: 2024/08/17 - Accepted: 2024/09/06

دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۶/۲۷ - بازنگری مقاله: ۱۴۰۳/۰۸/۱۷ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۹/۰۶

ارجاع:

دوانلو، مونا؛ (۱۴۰۴)، شناسایی حق بر محیط زیست در پرتو اسناد بین‌المللی و رویه‌های قضایی، تمدن حقوقی، شماره ۲۴.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY NC SA



مقدمه

حق بر محیط زیست^۱ از حقوق بنیادین بشر و مسئله‌ای حیاتی در دنیای کنونی است که حساسیت و توجه به آن، از رشد ارزشمندی برخوردار است. پیشرفت علم و فناوری، راه تسلط و بهره‌کشی از طبیعت را هموار کرده است، تا آنجا که حفاظت از آن و پیشگیری از آلودگی آن، یکی از مسائل مهم اواخر قرن بیستم به شمار می‌آید (جلالیان، ۱۴۰۰، ۵). محیط زیست سالم در دهه‌های اخیر به‌عنوان یک حق، برای زندگی هر چه بهتر و سالمتر شناخته شده است. مدت‌ها طول کشید تا جامعه جهانی به این حقیقت پی ببرد که حفظ محیط زیست با حیات انسان‌ها رابطه تنگاتنگی دارد (جمالی و فولادی وندا، ۱۳۹۹، ۱۷۲). حقوق بشر سرآغاز همه حق‌ها است. حق بر محیط زیست از جمله نسل سوم حقوق بشری شناخته شده در حوزه بین‌الملل و اسناد قابل اتکاء می‌باشد (نادری و مطلبی، ۱۴۰۱، ۴۹).

حق انسان‌ها در داشتن محیط زیست سالم و امن، به‌عنوان یک حق جمعی در کنار سایر حقوق شناخته شده برای بشر می‌باشد. محیط زیست به‌عنوان میراث مشترک بشریت^۲، حقی است که تصرف در آن به سادگی قابل توجیه نیست. محیط زیست به‌عنوان یک امانت عمومی است که باید برای نسل‌های آینده حفظ شود (امیری و همکاران، ۱۳۹۹، ۱۳۵).

در میان مصادیق چهارگانه حقوق همبستگی^۳، حق بر محیط زیست به دلایل مختلف به ویژه وفاق

1- The right to the environment

2- The common heritage of humanity

3- Solidarity rights

نسبی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه نسبت به ضرورت حفاظت از محیط زیست و همچنین نگرانی مشترک بشریت^۴ از پیامدهای زیانبار تخریب محیط زیست توانسته است بر مصادیق دیگر پیشی گرفته و روند ورود به اسناد بین‌المللی به ویژه منطقه‌ای حقوق بشری را سریعتر نماید (گروه صلح کرسی حقوق بشر، ۱۳۸۹، ۱۰۰).

به موجب مطالب یاد شده، فرضیه‌های این پژوهش این خواهد بود که حق بر محیط زیست یکی از حقوق بنیادین بشری است و اسناد بین‌المللی و رویه‌های قضایی در جهت شناسایی حق بر محیط زیست، نقش مؤثری ایفاء می‌کنند. این پژوهش تلاش دارد تا از رهگذر بررسی اسناد و آرای قضایی به پرسش‌هایی پاسخ دهد. پرسش اول این که، آیا حق بر محیط زیست از حقوق بنیادین بشری تلقی می‌گردد؟ پرسش دوم این که، آیا جامعه بین‌المللی در شناسایی حق بر محیط زیست به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین بشری موفق بوده است؟ پرسش سوم این که، راهکارهای مؤثر جهت شناسایی کارآمد حق بر محیط زیست به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین بشری چیست؟

۱- مفهوم حق بر محیط زیست

صیانت از محیط زیست سالم به‌عنوان یکی از حق‌های بنیادین بشر، از جمله تکالیف عمده در جامعه محسوب می‌شود. حق بر محیط زیست و حقوق بشر، شروعی جداگانه داشتند، ولی واقعیت حاکی از آن است که این دو مقوله، قواعدی در هم تنیده و به هم پیوسته دارند و تلاش و هدف غایی این دو آن است تا شرایط بهتری برای حیات بشری فراهم نمایند (زکوی، ۱۴۰۲، ۷).

تقریباً هم‌زمانی یک حق انسانی به همراه حفاظت از محیط زیست، پیچیدگی‌های درک معنا، ماهیت و تعهدات ناشی از آن را برای دولت‌ها ایجاد می‌نماید. به‌طور بی‌سابقه‌ای، این حق انسانی نه‌تنها به حفظ حق فرد آسیب دیده می‌پردازد، شامل حفاظت از تمامیت جسمی، رفاه و محل زندگی شخص نیز می‌گردد. البته، این حفاظت، فراتر از فرد به محیط اطراف قابل گسترش می‌باشد و تمام اجزای طبیعی و ساخته شده آن را در بر می‌گیرد. این حفاظت دوگانه هم به محیط زیست و هم به افراد سود می‌رساند و حفاظت جامع‌تری را برای هر دو گونه ارائه می‌دهد.

ضرورت داشتن یک محیط زیست سالم در معاهدات بین‌المللی، قانون اساسی کشورها و از طریق

قطعه‌نامه‌های سازمان ملل متحد، به یک حق بشری برای برخورداری از یک محیط زیست پاک، سالم و پایدار تبدیل شده است. در سطح ملی کشورها، فرمول‌های مختلفی را در چهارچوب قوانین اساسی خود اتخاذ کرده‌اند. باین حال، اگر نگوئیم کشورها به صراحت اهمیت تضمین یک محیط زیست سالم و پاک را در اولویت قرار می‌دهند، ولی ارتباط مستقیم آن با سلامت و رفاه افراد را تصدیق می‌کنند. در کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی و متون مرتبط نیز تعریفی از حق بر محیط زیست ذکر نشده است. البته ماده‌های ۱۴ و ۱۵ پیش نویس سومین میثاق بین‌المللی حقوق همبستگی^۵ در تبیین حق بر محیط زیست نقش به سزایی داشته‌اند. در این ماده‌ها از حق داشتن محیط زیست سالم و متعادل برای توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حقوقی صحبت به میان آمده است. همچنین دولت‌ها را به تضمین حفظ شرایط طبیعی حیات مؤثر در سلامت انسان و همزیستی جمعی متعهد می‌دانند. در قطعه‌نامه‌های شورای حقوق بشر و مجمع عمومی سازمان ملل متحد، دامنه تعهدات کشورها ناشی از تفسیرهای متنوع بازیگران در گیر در قانونگذاری است.

اصطلاحات «پاک، سالم و پایدار» از رایج‌ترین صفات در اسناد حقوقی ملی و بین‌المللی هستند. هر صفت معنای خاصی دارد: «پاک» به محیطی عاری از آلاینده‌ها یا مواد مضر اشاره دارد. «سالم» به معنای حمایت از رفاه و سلامت همه موجودات زنده از جمله انسان‌ها است و «پایدار» نشان‌دهنده استفاده مسئولانه و متعادل از منابع برای اطمینان از رفاه نسل‌های فعلی و آتی است و همگرایی این سه عنصر محیطی را برای نسل‌های فعلی و آینده تضمین می‌نماید (Moynier, 2024, 8).

ارتباط متقابل حق بر محیط زیست سالم با سایر حقوق بشری نشان‌دهنده اوج جنبش حقوق بشر سبز است که بیش از یکصد و شصت کشور از یکصد و نود و سه کشور عضو سازمان ملل متحد این حق بشری را در قوانین اساسی و عادی و یا از طریق پذیرش معاهدات منطقه‌ای و بین‌المللی به رسمیت شناخته‌اند. به رسمیت شناختن جهانی این حق، منعکس‌کننده شناسایی آن به‌طور گسترده و شناخته شده در سطوح ملی و منطقه‌ای است.

۱-۱- جایگاه حق بر محیط زیست در اسناد بین‌المللی

در این بخش تلاش خواهد گردید تا حقوق نرم و سخت دربردارنده حق بر محیط زیست مورد توجه قرار گیرد. از اسناد بین‌المللی دیگر که لازم است درباره حق بر محیط زیست سالم مورد بررسی قرار گیرند،

اسناد مهم حقوق بشری هستند. ماده ۲۵ اعلامیه حقوق بشر بیان می‌دارد: «هر کس حق دارد که زندگانی، سلامتی و رفاه خود و خانواده اش را از حیث خوراک، مسکن، مراقبت‌های پزشکی و خدمات اجتماعی تأمین کند». همچنین ماده ۲۱ منشور جهانی حقوق بشر^۶ به لزوم خودداری دولت‌ها از ایراد خسارت فرامرزی به محیط زیست دولت‌های دیگر یا مشترکات جهانی اشاره دارد. البته در اعلامیه‌های جهانی حقوق بشر و دو میثاق حقوق مدنی، سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^۷ حقی به‌عنوان حق بر محیط زیست شناسایی نشده است. غالباً معاهدات حقوق بشری سازمان ملل متحد نیز، بدون این که حفاظت از محیط زیست را مورد توجه قرار دهند به تصویب رسیده‌اند و صراحتاً این حق را مورد تأکید قرار نمی‌دهند، اما برخی از آن‌ها به‌طور غیرمستقیم به این حق اشاره دارند. میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ میلادی در ماده ۱۲ خود حق برخورداری از بالاترین استاندارد قابل دستیابی از سلامت جسمی و روانی را پیش‌بینی می‌کند و از کشورهای عضو می‌خواهد تا اقداماتی را برای بهبود همه جانبه بهداشت محیط زیست انجام دهند (Zamfir, 2012, 1).

تاکنون اسناد متعددی، حق بر محیط زیست سالم را به‌عنوان یک حق اساسی بشریت مورد تأکید قرار داده‌اند. شاید ضرورت داشته باشد برخی از حقوق نرم زیست محیطی نیز مورد بررسی قرار گیرند. این حق ریشه در اعلامیه استکهلم مصوب ۱۹۷۲ میلادی دارد و از طریق جنبش‌های مختلفی مانند توجه در قوانین اساسی کشورها، سبز شدن تدریجی حقوق بشر و انسانی محوری حقوق محیط زیست، تکامل یافته است. شناخت حق بشری برای محیط زیست، بیانگر اوج این رویکردها است. این حق یک اتحاد قدرتمند را منعکس می‌کند که حفاظت از محیط زیست و حقوق بشر را ترکیب کرده و درعین حال توسعه پایدار را پیش می‌برد.

ارتباط بین حفاظت از محیط زیست و حقوق بشر برای اولین بار به صراحت در اعلامیه استکهلم مصوب ۱۹۷۲ میلادی که توسط کنفرانس سازمان ملل متحد در مورد محیط زیست انسانی به تصویب رسید، به رسمیت شناخته شد. اصل اول این اعلامیه اعلام می‌دارد: «انسان از حق اساسی آزادی، برابری و شرایط مناسب زندگی در محیطی با کیفیت که امکان زندگی با عزت و سعادتمندانه را فراهم می‌نماید برخوردار است و مسئولیت جدی برای حفاظت و بهبود محیط زیست برای نسل‌های حاضر و آینده را دارد».

6- Universal Declaration of Human Rights

7- Covenant on Civil and Political Rights and Covenant on Economic, Social and Cultural Rights

اعلامیه استکهلم مصوب ۱۹۷۲ میلادی حوزه و موضوع همکاری دولت‌ها را تشریح کرد و سپس تعهد دولت‌ها به فعال‌سازی سازمان‌های بین‌المللی را به‌عنوان بزرگ‌ترین نهاد همکاری دولت‌ها در حفاظت از محیط زیست را بیان می‌کند. در این زمینه این اعلامیه صرفاً چند اصل مربوط به همکاری بین‌المللی را با عناوین محدود و ترتیبی برای همکاری بین‌المللی در تبادل اطلاعات در مورد فعالیت‌ها یا رویدادهای جدید در حوزه قضایی ملی تعیین می‌کند. کیفیت محیط زیست به‌عنوان پیش نیاز دستیابی به شرایط مناسب زندگی تلقی می‌گردد. بنابراین، اعلامیه استکهلم مصوب ۱۹۷۲ میلادی در واقع بر اساس برخی از عبارات قبلی مندرج در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استوار است که حق فرد را برای بهبود مستمر شرایط زندگی (ماده ۱۱) و همچنین برخورداری از بالاترین استاندارد قابل دستیابی سلامت جسمی و روانی (پاراگراف اول ماده ۱۲) به رسمیت می‌شناسد و دولت‌ها را متعهد به حمایت از حق بر سلامت با اقدامات مثبت از جمله بهبود تمام جنبه‌های بهداشت محیط زیست (بند دوم ماده ۱۲) می‌نماید.

کمیسیون جهانی محیط زیست نیز، گزارش خود را با عنوان «آینده مشترک ما» در سال ۱۹۸۶ میلادی منتشر کرد و فهرستی از اصول قانونی پیشنهادی برای حفاظت از محیط زیست و توسعه را تصویب کرد که در اولین ماده آن آمده است: «همه انسان‌ها حق اساسی داشتن محیط مناسب برای سلامت و رفاه را دارا هستند». اما همچنان شکافی بین اصول مندرج در این اسناد و پذیرش ضرورت حفاظت از محیط زیست در این بین دیده می‌شد. لذا اعلامیه ریو این شکاف را پر کرد و اصولی را برای تعهدات اطلاعاتی و تعهد عمومی به همکاری زیربنایی از جمله تبادل اطلاعات، مشاوره و... تعیین کرد.

اعلامیه ریو در مورد محیط زیست و توسعه مصوب ۱۹۹۲ میلادی به توسعه پایدار و محیط زیست سالم تحت عنوان حق اشاره می‌کند. پیشرفتی در کنفرانس ریو در رابطه با به رسمیت شناختن حق اساسی بشر برای داشتن یک محیط زیست سالم حاصل گردید. اصل ششم اعلامیه ریو به‌طور خاص به حق دسترسی به اطلاعات و دسترسی برابر به دادرسی عادلانه در رسیدگی‌های اداری و قضایی مربوط می‌شود. اصل دهم نیز حل مسائل زیست محیطی به بهترین وجه با مشارکت همه شهروندان زیربط را مورد تأکید قرار می‌دهد.

در سطح ملی هر فرد باید به اطلاعات مربوط به محیط زیست که در اختیار مقامات دولتی است از جمله اطلاعات مربوط به مواد و فعالیت‌های خطرناک در جوامع خود و همچنین فرصت مشارکت در فرایندهای تصمیم‌گیری، دسترسی مناسبی داشته باشد (Dejeant, 2002, 35). این اصل، نیاز به دسترسی

عمومی به اطلاعات زیست محیطی، مشارکت عمومی در تصمیم‌گیری‌های زیست محیطی و دسترسی به عدالت را به رسمیت می‌شناسد که می‌تواند به‌عنوان حقوق عرفی ناشی از این حق اساسی در نظر گرفته شود. اعلامیه ریو، کلید حل مشکلات این دوره در زمینه حفاظت از محیط زیست (توسعه پایدار) بوده است. در طول مذاکرات کنفرانس ریو، کشورهای در حال توسعه توانستند حق توسعه را نیز در اصل سوم اعلامیه تحکیم نمایند که بیان می‌دارد: «حق توسعه باید به گونه‌ای اعمال شود که نیازهای نسل‌های حاضر و آینده را در زمینه توسعه و حفاظت از محیط زیست به‌طور مساوی برآورده کند».

دستور کار ۲۱ از اسنادی است که توسط کنفرانس سازمان ملل متحد در مورد محیط زیست و توسعه در سال ۱۹۹۲ میلادی تصویب شد. فصل سی و نهم دستور کار ۲۱ بیان می‌کند که: «توسعه بیشتر حقوق بین‌الملل در مورد توسعه پایدار مستلزم توجه ویژه به تعادل ظرفیت بین ملاحظات زیست محیطی و توسعه است». دستور کار ۲۱ با توجه به این هدف علاوه بر پیشنهاد تأسیس کمیسیون توسعه پایدار، خواستار جهت‌گیری حقوق بین‌الملل محیط زیست در راستای مفهوم توسعه پایدار شده است. پس از ریو، نهادهای حقوق بشری سازمان ملل متحد به کار خود در زمینه رابطه محیط زیست و حقوق بشر ادامه دادند. تکرار این مباحث را در اعلامیه وین در کنفرانس جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۹۳ میلادی می‌توان مشاهده کرد. به علاوه، در سال ۱۹۹۹ میلادی اعلامیه بیشکک^۸ با صراحت اعلام می‌دارد: «هر کس به‌صورت فردی یا دسته جمعی، حق بهره‌مندی از محیط زیست سالم و متوازن به لحاظ اکولوژیکی را دارد».

همچنین، منشور جهانی طبیعت مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد تعهدات خاصی را بر دولت‌ها و افراد تحمیل می‌کند تا اصولی را که تعیین می‌نماید اجرایی نمایند. البته این حق در بیانیه هزاره ۲۰۰۰ میلادی، بیانیه ژوهانسبورگ ۲۰۰۲ میلادی و در بیانیه کنفرانس ریو+۲۰ در سال ۲۰۱۲ میلادی مورد تأکید قرار گرفته است (پورهاشمی و ارغند، ۱۳۹۲، ۱۶۵). همچنین، اصل پنجم اعلامیه اجلاس جهانی توسعه پایدار ژوهانسبورگ، بیان می‌دارد: «ما مسئولیت جمعی را برای توسعه و تقویت ارکان متقابل و وابسته به هم و توسعه پایدار در سطح جهانی را بر عهده می‌گیریم» و همچنین در ماده ۱۶ آن آمده است که: «ما مصمم هستیم تا اطمینان حاصل نماییم که قدرت جمعی ما در یک مشارکت سازنده برای تغییر و دستیابی به هدف مشترک توسعه پایدار همان‌طور که در ماده ۳۷ و در واقع در اصل نهایی آن آمده است، مورد استفاده قرار گیرد».

اعلامیه هزاره با تعیین اهداف زیر مسیر توسعه پایدار اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی را تعیین می‌کند که شامل موارد زیر می‌باشد: ریشه‌کنی فقر شدید و گرسنگی، دسترسی به آموزش ابتدایی در سراسر جهان، توسعه برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان، کاهش مرگ و میر کودکان، بهبود سلامت مادران، مبارزه با آیدز و ویروس مسبب آن و همچنین در کنار این اهداف به شاخص‌های زمانی آن اهداف با تلفیق اصول توسعه پایدار در سیاست‌ها و برنامه‌های کشورها و معکوس کردن روند اتلاف منابع زیست محیطی اشاره دارد (Norouzi & Sheikhi, 2021, 2). همچنین، اعلامیه هزاره تعهداتی را در مورد محیط زیست و حقوق بشر ارائه می‌دهد. نشست ریو+۲۰ منعکس‌کننده مدل جدیدی برای تلاش‌های بین‌المللی برای ارتقای توسعه پایدار بود. سند کنفرانس ریو+۲۰ چهارچوبی برای توسعه پایدار را تشریح می‌نماید و تمرکز اصلی این کنفرانس «اقتصاد سبز برای توسعه پایدار»، «کاهش فقر» و «نهادینه شدن چهارچوب برای توسعه پایدار» بود.

لازم به ذکر است که این مقررات مستقیماً حق برخورداری از محیط زیست سالم را به رسمیت نمی‌شناسند، آن‌ها به جای به رسمیت شناختن مستقیم چنین حقی، پیوندی را بین حقوق بشری به رسمیت شناخته شده مانند حق آزادی و حق زندگی و کیفیت محیط زیست ایجاد می‌نمایند.

۱-۲- شناسایی حق بر محیط زیست پاک، سالم و پایدار

شناسایی حق بر محیط زیست پاک، سالم و پایدار به عنوان یک حق بشری توسط شورای حقوق بشر، به ویژه در مواجهه با بحران‌های سه گانه سیاره‌ای شامل آلودگی، تغییرات اقلیمی و نابودی تنوع زیستی نقطه عطف به شمار می‌آید. این حق به عنوان یک عنصر بنیادین در تلاش‌های جمعی برای مقابله با تأثیرات این چالش‌های جهانی عمل می‌نماید. بنابراین، درک و اجرای آن از اهمیت بالایی برخوردار است و نیازمند درک جامعی از دامنه آن و تعهداتی است که بر دولت‌ها تحمیل می‌شوند.

به طرز شگفت‌انگیزی بیش از هشتاد درصد از کشورهای عضو سازمان ملل متحد، حق دسترسی به سلامت انسان و اکوسیستم را در اشکال مختلفی در قوانین اساسی، عادی و تصمیمات قضایی از طریق پذیرش معاهدات منطقه‌ای و بین‌المللی به رسمیت شناخته‌اند و بر تعهد مشترک به ایجاد محیطی مساعد برای سلامت و رفاه انسان و اکوسیستم تأکید کرده‌اند. علاوه بر این، نهادهای مختلف سازمان ملل متحد از جمله نهادهای معاهداتی، دفتر کمیسر یای عالی حقوق بشر، برنامه توسعه سازمان ملل متحد و برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد، رویه‌های

ویژه‌ای را ارائه می‌دهند. سازوکارهای منطقه‌ای و دادگاه‌های ملی، دیدگاه‌های متنوعی را در مورد دامنه تعهدات و مشارکت‌های آن‌ها و گفت‌وگوها درباره حق بر محیط زیست سالم تقویت می‌نمایند و تصورات نادرست را برطرف نموده و زمینه‌های درک مشترک را ایجاد می‌نمایند (Moynier, 2024, 3).

ضرورت چالش‌های زیست محیطی نیاز به یک رویکرد جامع، کل نگر و یکپارچه در زمینه حقوق بشر درباره مباحث زیست محیطی در تمام سطوح از محلی تا جهانی را ایجاد می‌نماید. این امر، مستلزم پر کردن شکاف‌های محیط زیستی به نفع نسل‌های حاضر و آینده، ایجاد تعادل بین دیدگاه‌های انسان محور، طبیعت محور و به رسمیت شناختن بعد جمعی این حق است تا بتواند سیاست‌های زیست محیطی مبتنی بر حقوق بشر را تقویت کند. همچنین نیاز به تقویت همکاری‌های بین‌المللی و تسریع اقدامات در سطوح ملی و محلی را محقق نماید.

با این حال، درحالی‌که شناخت جهانی این حق، قابل تحسین است، سؤالاتی در مورد دامنه و ارتباطات آن با سایر حقوق بشری باقی مانده است (Peters & Wolfrum, 2012, 24). چنانچه که می‌دانیم، در سال ۱۹۸۷ میلادی بحث درباره این که آیا حقوق بشر و محیط زیست به‌طور ذاتی به هم مرتبط هستند یا خیر؟ آغاز گردید و در این سال‌ها ادامه داشت. بحث حقوق بشر جنبه‌ها و موضوعات متعددی را در بر می‌گیرد، با این مفهوم که آیا حقوق محیط زیست فردی است یا جمعی؟ اگرچه اجماع بین‌المللی در مورد به رسمیت شناختن حقوق زیست محیطی عرفی حاصل گردید اما در این سال‌ها بحث‌هایی پیرامون به رسمیت شناختن حق بر محیط زیست سال و پاک در حقوق محیط زیست مجدداً منجر به نتیجه مطلوبی نگردید و بدین ترتیب این بحث‌ها و گفت‌وگوها در جهت تحکیم حق بر محیط زیست سالم در قالب یک حق بشری ادامه دارد.

۲- جایگاه حق بر محیط زیست در سیستم‌های سه گانه منطقه‌ای حقوق بشر

۲-۱- سیستم آفریقایی حقوق بشر

سیستم آفریقایی حقوق بشر^۹ با منشور آفریقایی حقوق بشر و خلق ها^{۱۰} شناخته شده است. برخلاف دیگر منشورهای منطقه‌ای این منشور بر تأمین و تحقق حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و همچنین حقوق همبستگی متمرکز است. این منشور، تنها سند آفریقایی برای به رسمیت شناختن حقوق

9- African human rights system

10- African Charter on Human and Peoples' Rights

نسل سوم یا همبستگی مردم، حقوق مربوط به هستی، برابری، تعیین سرنوشت، حاکمیت بر منابع طبیعی، صلح، توسعه و به ویژه محیط زیست است که تحقق حق بر محیط زیست رضایتبخش را به عنوان استحقاق مردم، جریان می‌بخشد. ماده ۲۴ منشور آفریقایی حقوق بشر و خلق‌ها، مقرر می‌دارد که: «همه خلق‌ها، حق برخورداری از محیط زیستی رضایتبخش و مناسب را برای توسعه دارند». این منشور، بر حق خلق‌ها برای داشتن یک محیط زیست سالم و رضایتبخش و شایسته، تأکید می‌نماید. البته منشور تعریف نمی‌کند که حق داشتن یک محیط رضایتبخش عمومی و حق بر محیط زیست، شامل چه مواردی می‌گردند؟ و این موضوع فضایی را برای رگباری از تفسیرهای فردی فراهم کرده است (Polycarpa Amechi, 2009, 58).

دادگاه آفریقایی حقوق بشر و خلق‌ها^{۱۱}، وظیفه تکمیل و تقویت وظایف کمیسیون آفریقا در مورد حقوق بشر و خلق‌ها را بر عهده دارد که یک نهاد شبه قضایی است که وظیفه نظارت بر اجرای منشور را بر عهده دارد. در میان پرونده‌های قابل توجه در سیستم آفریقایی حقوق بشر می‌توان به پرونده اگونی لند^{۱۲} در رابطه با آلودگی نفتی زمین اشاره کرد. در این پرونده تخریب محیط زیست به وسیله آلودگی که در تضاد با شرایط مساعد زندگی و تعادل اساسی اکولوژیک می‌باشد، مضر شناخته شد و پاکسازی زمین‌های آلوده به مواد نفتی، ارزیابی زیست محیطی پیش از اقدام و پروژه در کنار لزوم دسترسی عموم به اطلاعات زیست محیطی از نکات حائز اهمیت رأی صادره در این پرونده بود.

۲-۲- سیستم اروپایی حقوق بشر^{۱۳}

در بین اسناد اروپایی حقوق بشر، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^{۱۴} از اهمیت به سزایی برخوردار است. ماده ۱۰ این کنوانسیون بیان می‌دارد: «دولت‌ها نمی‌توانند قوانین مربوط به افتراء را در جهت محدود کردن انتشار اطلاعات زیست محیطی دارای نفع عمومی توسعه دهند، قوانین زیست محیطی معمولاً فعالیت‌ها و فرایندهای خطرناک را منع می‌کنند و به دنبال محدودیت خسارت به محیط زیست می‌باشند». دادگاه حقوق بشر اروپایی^{۱۵}، از طریق تفسیر موسع ماده‌های ۶ و ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، بر لزوم توجه به حق بر محیط زیست تأکید کرد.

11- African Court on Human and Peoples' Rights

12- The Agony Land Case

13- The European human rights system

14- European Convention on Human Rights

15- European Court of Human Rights

رویکرد حائز اهمیت دیگر در این زمینه ارائه تفسیری از رابطه بشر و محیط زیست توسط کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد برای اروپا^{۱۶} در سال ۱۹۹۶ میلادی بود. نهادهای معاهداتی حقوق بشری سازمان ملل متحد از طریق رویه قضایی یا سایر اعلامیه‌های خود با این استدلال که بسیاری از حقوق بشری مانند حق حیات، زندگی خصوصی و سلامت آب و مالکیت به یک محیط زیست سالم بستگی دارد، حقوق بشری سبز (حق بر محیط زیست سالم) را پیش برده‌اند. در این میان، کنوانسیون آرهوس در اروپا از طریق تمرکز بر حقوق عرفی (حق دسترسی به اطلاعات، مشارکت عمومی و دسترسی به عدالت با توجه به محیط زیست) بسیار حائز اهمیت است. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر حاوی هیچ مقرراتی نیست که به حق برخورداری از محیط زیست سالم اشاره نماید (Zamfir, 2012, 1).

البته کنوانسیون مهم در سطح اروپایی، کنوانسیون آرهوس^{۱۷} در زمینه دسترسی به اطلاعات^{۱۸}، مشارکت عمومی در تصمیم‌سازی^{۱۹} و دسترسی به عدالت زیست محیطی^{۲۰} است. این کنوانسیون در کنفرانس وزیران محیط زیست برای اروپا^{۲۱} در سال ۱۹۹۸ میلادی مورد موافقت قرار گرفت و در سی ام اکتبر ۲۰۰۱ میلادی لازم الاجرا شد.^{۲۲}

مقدمه کنوانسیون آرهوس به صراحت اصل اول اعلامیه استکهلم و قطعنامه ۹۴/۴۵ مجمع عمومی سازمان ملل متحد را یادآوری می‌کند و با بازنویسی از مقدمه اعلامیه استکهلم این موضوع را به رسمیت می‌شناسد که حفاظت کافی از محیط زیست برای رفاه انسان و برخورداری از حقوق اساسی بشر از جمله حق زندگی، ضروری است و تحت عنوان هدف مقرر می‌دارد که به منظور کمک به حمایت از حق هر فرد از نسل‌های حاضر و آینده برای زندگی در محیطی مناسب برای سلامت و رفاه، حق دسترسی به اطلاعات، مشارکت عمومی در تصمیم‌گیری و دسترسی به عدالت در امور زیست محیطی را مطابق با مفاد این کنوانسیون تضمین می‌کند (Kesentini, 1994, 9).

16- United Nations Economic Commission for Europe (UNECE)

17- Aarhus Convention

18- Access to information

19- Public participation in decision-making

20- Access to environmental justice

21- Conference of Environment Ministers for Europe

22- World summit on sustainable development (2001) environment and human rights: a new approach to sustainable development, p2. international institute for environment and development (IIED).www.iied.org

به رسمیت شناختن صریح حق برخورداری از محیط زیست سالم در کنوانسیون آرهوس با بیان زیربنایی حقوقی و فلسفی این حقوق، به اجرای حقوق عرفی دسترسی به اطلاعات، مشارکت در تصمیم‌گیری و دسترسی به عدالت وزن می‌بخشد. این امر، نشان می‌دهد که آن‌ها به خودی خود هدف نیستند، بلکه دقیقاً به عنوان وسیله‌ای برای حمایت از حق اساسی فرد برای زندگی در یک محیط زیست سالم و معنادار هستند.

باین حال این حقوق، پیامدهای حقوقی فوری ندارند. زیرا مفاد ماده اول تعهدات خاصی را فراتر از سایر مقررات کنوانسیون به طرفین تحمیل نمی‌کند. در واقع، حمایت از حق برخورداری از محیط زیست سالم به عنوان هدفی ارائه می‌شود که کنوانسیون آرهوس قصد دارد به آن کمک کند. قابل توجه است که حق اساسی زندگی در یک محیط زیست سالم، درست در لحظه به رسمیت شناختن قانونی، بلافاصله به بعد عرفی صرف تقلیل می‌یابد. باین حال، لازم به ذکر است که زبان مورد استفاده در ماده اول دلالت بر این دارد که طرفین اذعان می‌کنند که تضمین حقوق عرفی مندرج در کنوانسیون به خودی خود برای تضمین حمایت از یک حق اساسی کافی نخواهد بود، بلکه فقط به دستیابی به آن هدف نهایی کمک می‌نماید (Dejeant, 2002, 35).

در واقع، کنوانسیون آرهوس، اولین موافقتنامه چندجانبه است که هدف اصلی آن، تحمیل تعهدات به طرف‌های متعاقد در مقابل شهروندان خود است. از این نظر، در واقع نزدیکی بین کنوانسیون و حقوق بین‌المللی حقوق بشر وجود دارد. این قرابت همچنین از مفاد کنوانسیون در مورد بررسی انطباق، ظاهر می‌شود که برای اولین بار در حقوق بین‌الملل محیط زیست، امکان مکانیسم بازبینی را که نه تنها برای دولت‌ها بلکه برای افراد نیز قابل دسترسی است، ایجاد می‌کند.

باین حال، دامنه حق برخورداری از محیط زیست سالم فراتر از آن چیزی است که برای رفع نیازهای اساسی انسان لازم است، اما در بیست و نهم سپتامبر ۲۰۲۱ میلادی مجمع پارلمانی شورای اروپا، تهیه پیش نویس پروتکل الحاقی را در این زمینه توصیه کرد. ماده ۳۷ منشور حقوق اساسی اتحادیه اروپا مقرر می‌دارد: «سطح بالایی از حفاظت از محیط زیست باید در سیاست‌های اتحادیه اروپا ادغام شود، اما حق فردی برای داشتن محیط زیست سالم را به رسمیت نمی‌شناسد». کنوانسیون آرهوس، تأثیر شرایط محیطی بر کیفیت زندگی را از سلامت انسان متمایز کرده است و تأکید می‌کند که: «آلودگی شدید محیط زیست ممکن است بر رفاه افراد تأثیر بگذارد و آن‌ها را از لذت بردن از خانه خود به گونه‌ای باز دارد و بدون این که حتی

سلامت آن‌ها را به‌طور جدی به خطر بیندازد، بر زندگی خصوصی و خانوادگی آن‌ها تأثیر منفی بگذارد». دولت‌ها باید آگاهی و مشارکت عمومی را با دسترس قرار دادن اطلاعات به‌طور گسترده تسهیل و تشویق کنند. دسترسی مؤثر به دادرسی‌های قضایی و اداری از جمله جبران خسارت باید فراهم شود. در سطح اروپا یا به‌طور کلی‌تر در سطح پان اروپایی نیز به‌طور فزاینده‌ای مشهود است که قوانین مربوطه که بدین ترتیب به رسمیت شناخته شده‌اند ممکن است نه تنها به نظام‌های حقوق ملی بلکه به نظام حقوقی بین‌المللی مرتبط باشند.

دادگاه اروپایی حقوق بشر حق حمایت خانه و یا زندگی خانوادگی شخص در برابر آلودگی شدید طبق ماده ۸ کنوانسیون اروپایی در قضیه «اوسترا لویز» و حق اطلاع یافتن از سوانح زیست محیطی را به رسمیت شناخته است. قضیه «اوسترا لویز»، مربوط به عملیات کارخانه بازیافت زباله‌های صنعتی که مشکلات بهداشتی، سلامتی و مزاحمت برای ساکنان آن محل ایجاد کرده بود، پس از شکایت خانم لویز مبنی بر لزوم توقف فعالیت کارخانه آلاینده، دادگاه ملی مزاحمت‌ها و مشکلات ایجاد شده را مؤثر در حقوق بنیادین افراد تلقی نکرد. پس از ارجاع پرونده به کمیسیون اروپایی حقوق بشر تحت ادعای نقض بند اول ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و تحت عنوان رفتار غیرانسانی، دادگاه اعلام کرد: «دولت‌ها موظفند اقدامات معقول و مناسب را برای محافظت در برابر چنین دخالت‌هایی اتخاذ کنند».

۲-۳- سیستم امریکایی حقوق بشر^{۲۳}

حق بر محیط زیست به استناد پروتکل سان سالوادور^{۲۴} مصوب هفدهم نوامبر ۱۹۸۸ میلادی نهایتاً در قطعنامه پنجم ژوئن ۲۰۰۱ میلادی سازمان کشورهای امریکایی مطرح شده است که در ماده ۱۱ پروتکل، حق بر محیط زیست سالم شناسایی گردید. این ماده به حق هر فرد در محیط زیست سالم اشاره دارد. ماده ۱۲ از این پروتکل نیز، صراحتاً بیان می‌دارد: «هر کس باید از حق زندگی در محیط زیست سالم برخوردار بوده و به خدمات عمومی اساسی دسترسی داشته باشد و دولت‌های عضو باید حفاظت، مراقبت و بهبود محیط زیست را ارتقاء بخشند».

در میان پرونده‌های مورد بررسی در سیستم امریکایی حقوق بشر، پرونده‌های یانوماسی ۱۹۸۵ میلادی،

23- The American human rights system

24- San Salvador Protocol

هاورامی ۱۹۹۷ میلادی، تینگی ۲۰۰۱ میلادی و مایا ۲۰۰۴ میلادی^{۲۵} قابل توجه می‌باشند. کمیسیون امریکایی حقوق بشر^{۲۶} در پرونده یانومامی در سال ۱۹۸۵ میلادی حق بر محیط زیست را به‌عنوان ادعای مورد مطالبه نپذیرفت و غرامتی نیز برای خسارات زیست محیطی در نظر نگرفت. در پرونده سرخ پوستان هاورامی، صرفاً، ارتباط بین حق بر زندگی و محیط زیست سالم را مورد پذیرش قرار گرفت. البته این رأی، به جای پذیرش حق بر محیط زیست سالم به‌عنوان یک حق بشری، محیط زیست سالم را به‌عنوان پیش شرط زندگی افراد مورد شناسایی قرار داد. درباره پرونده مردم محلی تینگی در نیکارگوئه، دادگاه امریکایی حقوق بشر، بدون ذکر حق بر محیط زیست، رأی خود را صادر نمود و صرفاً به حقوق جمعی مردم محلی تینگی نسبت به زمین‌های سنتی شان و منابع موجود و محیط زیست اشاره کرد.

در پرونده سرخ پوستان مایا، کمیسیون امریکایی حقوق بشر، از دست رفتن خاک توسط شرکت بلیز^{۲۷} به دلیل خسارت به منابع آب و جلوگیری دسترسی به حیات وحش و گیاهان و نقض حق مردم محلی بر دارایی‌ها را پذیرفت. البته در این رأی، طرح لزوم جبران خسارات وارده به محیط زیست را می‌توان گامی مثبت تلقی کرد. دادگاه بین امریکایی در نظر مشورتی خود در مورد حقوق بشر و محیط زیست در سال ۲۰۱۷ میلادی اعلام کرد: «ضرورت دسترسی عموم به اطلاعات، مشارکت عمومی و عدالت، جزء لاینفک حق زندگی افراد در زمینه محیط زیست است».

در سال ۲۰۱۸ میلادی کشورهای امریکای لاتین و کارائیب^{۲۸}، موافقتنامه منطقه‌ای دسترسی به اطلاعات، مشارکت عمومی و عدالت در مسائل زیست محیطی در امریکای لاتین و دریای کارائیب (موافقتنامه اسکازو^{۲۹}) رابه تصویب رساندند که درباره (حق هر شخص از نسل حاضر و آینده برای زندگی در محیطی سالم و توسعه پایدار^{۳۰}) بحث می‌کند.

۳- رهیافت حقوق بشر در صیانت از حق بر محیط زیست

گزارشگر ویژه حقوق بشر و محیط زیست که در قالب کمیسیون فرعی تبعیض و حمایت از اقلیت^{۳۱}،

25- The cases of Yanomami 1985, Hawrami 1997, Tingi 2001 and Maya 2004

26- Inter-American Commission on Human Rights

27- Belize Company

28- Latin American and Caribbean countries

29- Escazu Agreement

30- Sustainable development

31- Sub-Commission on Discrimination and Minority Protection

گزارش خود را در سال ۱۹۹۳ میلادی ارائه نموده، حقوق محیط زیست را به‌عنوان جنبه‌ای از حقوق بشر معرفی کرد. مباحث مربوط به محیط زیست در کمیسیون حقوق بشر و کمیسیون فرعی مبارزه با تبعیض و حقوق اقلیت‌ها، بررسی شده است. پس از آن روند آغاز شده کمیسیون فرعی در زمینه رابطه محیط زیست و حقوق بشر در سال ۱۹۸۹ میلادی توسط فردی به نام «فاطمه کستینی»^{۳۲} در سال ۱۹۹۴ میلادی تکمیل گردید.

در اوت ۱۹۹۴ میلادی گزارشگر ویژه منصوب شده، گزارش نهایی خود را به کمیسیون فرعی پیشگیری از تبعیض و حمایت از اقلیت‌ها ارائه کرد. این گزارش رابطه متقابل بین حقوق بشر و حفاظت از محیط زیست را در تمام ابعاد آن بررسی می‌کند و به حق برخورداری از محیط زیست سالم مانند حق حیات و حق دسترسی به عدالت و اطلاعات زیست محیطی می‌پردازد. اما کمیسیون حقوق بشر و کمیسیون فرعی، هیچ یک پیشنهادی‌ها را اعمال نکردند. ضمیمه گزارش شامل پیش نویس اصول مربوط به حقوق بشر و محیط زیست می‌باشد. این اصول اظهار می‌کنند که: «همه افراد دارای حق امنیت و برخورداری از محیط زیستی سالم و بی‌خطر اکولوژیکی هستند» که شامل حق رهایی از آلودگی و تنزل کیفیت محیط زیست و حذف فعالیت‌هایی که به‌طور مؤثر بر ضد محیط زیست می‌باشند، حق حفاظت از اجزای ترکیبی محیط زیست و حق کسب اطلاعات و حق مشارکت می‌باشند (گوندلینگ و همکاران، ۱۳۸۱، ۳۱۸).

در سال ۱۹۹۵ میلادی کمیسیون یک گزارشگر ویژه را برای بررسی اثرات تخلیه غیرقانونی محصولات سمی در کشورهای در حال توسعه منصوب کرد. این دستور از آن زمان به بعد، گسترش یافته و شامل مدیریت و دفع مواد و زباله‌های خطرناک به‌طور کلی شده است. کمیسیون فرعی تحت عناوینی مختلف مثل حقوق مردم بومی، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، توسعه‌های علمی و تکنولوژیکی موارد مربوط به نقض حقوق بشر را مورد توجه قرار می‌دهد. به‌طور مثال، کمیسیون فرعی در گزارش سال ۱۹۹۶ میلادی خود در بررسی وضعیت حقوق بشر در کامبوج^{۳۳} حق بر محیط زیست سالم و توسعه پایدار را مدنظر قرار داد و تأکید نمود که تجارت بی‌رویه در کامبوج ممکن است خسارات مهمی به مردم کامبوج که از نظر روش تغذیه، ویژگی‌های فرهنگی و روش زندگی خود به محیط زیست وابسته اند، وارد کند. کنوانسیون محو همه اشکال تبعیض^{۳۴} درباره صدمات وارده به گروه‌های آسیب پذیر اجتماعی

32- Fatma Zahra Ksentini

33- The human rights situation in Cambodia

34- Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination

به‌خاطر تخریب محیط زیست مواردی را مطرح نموده که عمدتاً به دو طیف کلی (مواردی که به سلاح‌های هسته‌ای و مواد رادیواکتیو مرتبط می‌باشند و مواردی که به حقوق گروه‌های بومی یا اقلیت‌ها مرتبط می‌باشند) قابل تقسیم می‌باشند.

در مارس ۲۰۱۱ میلادی شورای حقوق بشر^{۳۵}، قطعنامه شماره ۱۱/۱۶ را در مورد حقوق بشر و محیط زیست به تصویب رساند و از دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد^{۳۶} درخواست کرد که یک مطالعه تحلیلی مفصلی در مورد رابطه بین حقوق بشر و محیط زیست انجام دهد. این مطالعه نشان داد که درحالی‌که پیشرفت زیادی در درک رابطه بین حقوق بشر و محیط زیست حاصل شده، چندین سؤال مهم باقی مانده است. این مسائل حل نشده شامل نیاز بالقوه حق بر محیط زیست، نقش و وظایف بازیگران خصوصی با توجه به حقوق بشر و محیط زیست، دسترسی فراسرزمینی حقوق بشر و محیط زیست و چگونگی عملیاتی کردن و نظارت بر اجرای تعهدات بین‌المللی حقوق بشر در رابطه با محیط زیست می‌باشند. لذا پیشنهاد گردید که شورای حقوق بشر توجه ویژه‌ای به رابطه حقوق بشر و محیط زیست از طریق مکانیسم‌های مناسب خود داشته باشد.

نهادهای معاهداتی حقوق بشر یعنی نهادهای کارشناسان مستقل که برای نظارت بر رعایت معاهدات حقوق بشر سازمان ملل منصوب شده اند، در تفسیر معاهدات خود به مسائل زیست محیطی نیز پرداخته‌اند. در بیست و دوم مارس ۲۰۱۲ میلادی شورای حقوق بشر با اجماع، قطعنامه‌ای در مورد حقوق بشر و محیط زیست را تصویب کرد. مطابق با این قطعنامه، تصمیم گرفته شد تا برای یک دوره سه ساله یک کارشناسی مستقل در مورد تعهدات حقوق بشر مرتبط با بهره‌مندی از محیط زیست امن پاک، سالم و پایدار منصوب کند. بنابراین، مأموریت جدیدی برای یک کارشناس مستقل ایجاد کرد تا تعهدات حقوق بشر مربوط به برخورداری از محیطی امن، پاک، سالم و پایدار را مطالعه کند (Kamble, 2017). اصول و چهارچوب حقوق بشر که در سال ۲۰۱۸ میلادی توسط گزارشگر ویژه حقوق بشر و محیط زیست (جان ناکس)^{۳۷} به شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد ارائه شد، تعهدات دولت‌ها را تحت قوانین بین‌المللی حقوق بشر بیان می‌کند. زیرا آن‌ها به بهره‌مندی از حقوق بشر (محیطی امن، پاک، سالم و پایدار) مربوط می‌شوند. محور چهارچوب اساساً بر اساس اسناد بین‌المللی و تصمیمات نهادهای بین‌المللی استوار است. برخورداری از

35- Human Rights Council

36- Office of the United Nation High Commissioner for Human Rights (OHCHR)

37- Special Rapporteur on human rights and the environment (John Knox)

محیطی امن، پاک، سالم و پایدار مطابق با مأموریتی بود که شورای عالی حقوق بشر به گزارشگر ویژه مأموریت داده بود.

برخی از اصول چهارچوب به شرح ذیل قابل تفسیر می‌باشد: دولت‌ها باید محیطی امن، پاک، سالم و پایدار را به منظور احترام، حفاظت و اجرای حقوق بشر تضمین کنند (اصل ۱) و از محیط زیست پایدار حمایت کنند (اصل ۲). این موضوع، رابطه متقابل حقوق بشر و محیط زیست را تعیین می‌کند، چرا که محیطی امن، پاک، سالم و پایدار، برای برخورداری کامل از بسیاری از حقوق بشری ضروری است. کشورها باید تبعیض را منع کنند و حفاظت برابر و مؤثر را برای برخورداری از محیطی امن، پاک، سالم و پایدار تضمین کنند (اصل ۳). بنابراین، دولت‌ها تعهداتی دارند که در برابر آسیب‌های زیست محیطی که ناشی از تبعیض است، از افراد محافظت کنند، دسترسی برابر به مزایای زیست محیطی را فراهم کنند و اطمینان حاصل کنند که اقدامات آن‌ها در ارتباط با محیط زیست تبعیض‌آمیز نیست. تبعیض ممکن است مستقیم یا غیرمستقیم باشد. چنانچه که بر اساس بند نهم ماده ۳ کنوانسیون آرهوس در مورد آسیب‌های فرامرزی دولت‌ها باید دسترسی برابر به اطلاعات، مشارکت و راه‌حل‌ها را بدون تبعیض بر اساس ملیت یا اقامتگاه تأمین کنند.

تبعیض مستقیم، ممکن است زمانی ایجاد شود که اطمینان حاصل نگردد که همه گروه‌ها به اطلاعات زیست محیطی، مشارکت در تصمیم‌گیری‌های زیست محیطی و عدالت زیست محیطی دسترسی دارند. تبعیض غیرمستقیم ممکن است ایجاد شود زمانی که به اقداماتی که بر اکوسیستم‌ها تأثیر نامطلوب می‌گذارند از جمله، امتیازات معدن‌کاری، قطع درختان، ایجاد تأسیسات سمی و خطرناک مجوز اعطاء گردد. دولت‌ها باید محیطی امن و توانمند فراهم کنند که در آن افراد، گروه‌ها و ارگان‌های جامعه که در زمینه حقوق بشر فعالیت دارند، بتوانند در محیطی امن عمل نمایند (اصل ۴).

مدافعان حقوق بشر مدافعان حقوق بشر نیز باید از مصونیت‌ها و حقوقی جهت فعالیت‌های زیست محیطی خود برخوردار باشند. مدافعان حقوق بشر زیست محیطی شامل افراد و گروه‌هایی می‌شوند که برای حمایت و ارتقای حقوق بشر در ارتباط با محیط زیست تلاش می‌کنند و برای حفاظت از محیط زیست سالم تلاش می‌کنند. دولت‌ها باید آموزش و آگاهی عمومی را در مورد مسائل زیست محیطی فراهم نمایند (اصل ۶). دولت‌ها توافق کرده‌اند که آموزش کودک باید به منظور توسعه احترام به حقوق بشر و محیط طبیعی باشد. آموزش باید زود آغاز شود و در طول فرایند آموزشی ادامه یابد. موضوع دیگر

دسترسی مقرون به صرفه و آسان هر فرد به اطلاعات زیست محیطی است (اصل ۷).

دسترسی عمومی به اطلاعات زیست محیطی افراد را قادر می‌سازد تا درک کنند که چگونه آسیب‌های زیست محیطی ممکن است حقوق آن‌ها از جمله حقوق زندگی و سلامت را تضعیف کند. بنابراین، اطلاعات زیست محیطی می‌بایست به‌طور منظم جمع‌آوری، به روزرسانی و منتشر گردد. برای اجتناب از اقدامات یا اعطای مجوز به اقدامات با اثرات زیست محیطی که در بهره‌مندی کامل از حقوق بشر، اختلال ایجاد می‌کند، دولت‌ها باید از طریق ارزیابی قبلی اثرات زیست محیطی احتمالی پروژه‌ها و سیاست‌های پیشنهادی از جمله اثرات بالقوه آن‌ها را برای برخورداری از حقوق بشر، تأمین این حقوق را تضمین کنند (اصل ۸) تا اطمینان حاصل شود که اقدامات اتخاذ شده باعث آسیب زیست محیطی که حقوق بشر را مختل می‌نماید، نمی‌گردد.

ارزیابی باید در اولین فرصت ممکن در فرایند تصمیم‌گیری برای هر پیشنهادی که احتمالاً اثرات قابل توجهی بر محیط زیست داشته باشد، انجام شود. ارزیابی باید فرصت‌های معناداری را برای مشارکت عمومی فراهم کند و باید جایگزین‌های پیشنهادی را در نظر بگیرد و باید به کلیه اثرات بالقوه زیست محیطی از جمله اثرات فرامرزی و اثرات تجمعی که ممکن است در نتیجه تعامل پیشنهاد با سایر فعالیت‌ها رخ دهد، رسیدگی نماید. همچنین، ارزیابی باید به گزارش مکتوب منجر شود که به وضوح اثرات را توصیف نماید. به علاوه، نتیجه ارزیابی و تصمیم‌نهایی باید توسط یک نهاد مستقل مورد بررسی قرار گیرد. دولت‌ها باید مشارکت عمومی در تصمیم‌گیری‌های مربوط به محیط زیست را تسهیل کنند و نظرات مردم را در فرایند تصمیم‌گیری در نظر بگیرند (اصل ۹).

حصول اطمینان از این که تصمیمات زیست محیطی نظرات افرادی را که تحت تأثیر قرار می‌گیرند را در نظر می‌گیرد، حمایت عمومی را افزایش می‌دهد و توسعه پایدار را ترویج می‌نماید. بسیاری از اسناد بین‌المللی زیست محیطی مانند ماده اول اعلامیه استکهلم، ماده ۱۰ اعلامیه ریو، ماده‌های ۱ و ۸ کنوانسیون آرهوس و ماده‌های ۱ و ۷ موافقتنامه اسکازو، اهمیت مشارکت عمومی در تصمیم‌گیری‌های زیست محیطی را به رسمیت شناخته‌اند.

از مباحث مهم دیگر در اصول چهارچوب، تضمین دسترسی به راه‌حل‌های مؤثر توسط دولت‌ها در زمینه نقض حقوق بشر و قوانین داخلی است (اصل ۱۰). برای ارائه راه‌حل‌های مؤثر دولت‌ها باید اطمینان حاصل نمایند که افراد به رویه‌های قضایی و اداری که الزامات اساسی را برآورده می‌کند، دسترسی دارند.

همچنین، باید راهنمایی‌هایی برای دسترسی افراد در مورد چگونگی دسترسی به این رویه‌ها فراهم گردد. به علاوه، می‌بایست استانداردهای زیست محیطی ایجاد گردند (اصل ۱۱). این استانداردها باید غیر تبعیض آمیز^{۳۸} و واپسگرایانه^{۳۹} باشند تا به حقوق بشر احترام گذاشته و از آن حمایت کنند. در حالت ایدئال، استانداردهای زیست محیطی در سطوحی تنظیم و اجرا می‌شوند که از همه آسیب‌های زیست محیطی ناشی از منابع انسانی جلوگیری کرده و محیطی امن، پاک، سالم و پایدار را تضمین کنند. استانداردها باید از رویه‌ای منتج شوند که خود با تعهدات حقوق بشری منطبق باشند. همچنین، می‌بایست با استانداردهای بین‌المللی محیط زیست و بهداشت مانند استانداردهای اعلام شده توسط سازمان بهداشت جهانی^{۴۰} مطابقت داشته باشند و بهترین علم موجود را در نظر بگیرند.

نکته حائز اهمیت دیگر، حصول اطمینان از اجرای مؤثر استانداردهای زیست محیطی در برابر بازیگران دولتی و خصوصی توسط دولت‌ها است (اصل ۱۲) که این امر از طریق تنظیم بنگاه‌های تجاری به منظور جلوگیری از نقض حقوق بشر ناشی از آسیب‌های زیست محیطی اعمال می‌گردد. به عنوان مثال، می‌توان به اصول اول و بیست و پنجم اصول راهنمای سازمان ملل متحد در تجارت و حقوق بشر^{۴۱} اشاره کرد. مطابق با اصول راهنمای سازمان ملل متحد در زمینه تجارت و حقوق بشر، مسئولیت بنگاه‌های تجاری برای احترام به حقوق بشر شامل مسئولیت اجتناب از ایجاد یا مشارکت در تأثیرات نامطلوب حقوق بشر از طریق آسیب‌های زیست محیطی و رسیدگی به چنین تأثیراتی در هنگام وقوع آن‌ها است. همچنین، دولت‌ها باید برای ایجاد، حفظ و اجرای چهارچوب‌های حقوقی بین‌المللی مؤثر به منظور پیشگیری، کاهش و اصلاح آسیب‌های زیست محیطی فرامرزی و جهانی که در بهره‌مندی کامل از حقوق بشر اختلال ایجاد می‌کنند، همکاری کنند (اصل ۱۳).

تعهد همکاری بین‌المللی مستلزم این نیست که هر کشور دقیقاً اقدامات مشابهی اتخاذ کند، بلکه مسئولیت‌هایی که برای هر کشور ضروری و مناسب است تا حدی به وضعیت آن کشور بستگی دارد و توافق‌های بین دولت‌ها برای رسیدگی به مشکلات جهانی مانند تغییرات آب و هوایی، ممکن است به طور مناسبی تعهدات فردی آن‌ها را برای در نظر گرفتن توانایی‌ها و چالش‌های مربوطه تنظیم نماید. باین حال،

38- Non-discriminatory

39- Regressive

40- World Health Organization

41- Principles 1 and 25 of the United Nations Guiding Principles on Business and Human Rights

زمانی که تعهدات آن‌ها تعریف شده، دولت‌ها باید با حسن نیت از آن‌ها تبعیت کنند. از وظایف دیگر دولت‌ها، اتخاذ اقدامات مضاعف برای حمایت از حقوق افراد در معرض آسیب‌های محیطی و یا در معرض خطر خاص با توجه به نیازها و خطرات و ظرفیت‌های مربوط به آن‌ها می‌باشد (اصل ۱۴).

همان‌طور که شورای حقوق بشر در قطعنامه خود در مورد حقوق بشر و محیط زیست در سال ۲۰۱۷ میلادی مقرر می‌دارد: «درحالی که پیامدهای حقوق بشری ناشی از آسیب‌های زیست محیطی توسط افراد و جوامع در سراسر جهان احساس می‌شود، پیامدهایی که توسط جمعیت‌هایی که در حال حاضر در موقعیت‌های آسیب پذیر هستند، بیشتر محسوس است». افرادی که در معرض خطر بیشتری از آسیب‌های زیست محیطی هستند شامل «زنان، کودکان، افراد فقیر، اعضای بومیان و جوامع سنتی، افراد دارای معلولیت، اقلیت‌های قومی، نژادی یا سایر اقلیت‌ها و حتی افراد آواره»^{۴۲} هستند. دولت‌ها باید داده‌های تفکیک شده‌ای را در مورد اثرات خاص آسیب‌های زیست محیطی بر اقشار مختلف جمعیت، تهیه نمایند. همچنین، می‌بایست اقدامات مؤثری را برای افزایش آگاهی از تهدیدات زیست محیطی در میان افرادی که بیشتر در معرض خطر هستند انجام دهند. استانداردهای داخلی و بین‌المللی باید به گونه‌ای تنظیم شوند که از آسیب به اقشار آسیب پذیر محافظت نمایند. به علاوه، باید اطمینان حاصل نمایند که به تعهدات خود در قبال مردم بومی و اعضای جوامع سنتی عمل می‌نمایند (اصل ۱۵).

این تعهدات می‌تواند شامل به رسمیت شناختن حقوق آن‌ها در مورد زمین‌ها و منابعی که به‌طور سنتی در مالکیت و تصرف یا مورد استفاده آن‌ها قرار دارد، مشورت با آن‌ها و کسب رضایت قبلی قبل از جابجایی آن‌ها، احترام به شیوه‌های سنتی آن‌ها در استفاده پایدار از اراضی، سرزمین‌ها، منابع و همچنین سهم بودن عادلانه آن‌ها در منافع حاصل از فعالیت‌های مربوطه باشد. در نهایت این که، تعهدات دولت‌ها برای احترام، حفاظت و اجرای حقوق بشر و دنبال کردن توسعه پایدار اعمال شود (اصل ۱۶) و آن زمانی است که اقداماتی را برای مقابله با چالش‌های زیست محیطی و پیگیری توسعه پایدار اتخاذ و اجرا نمایند.

در سال ۲۰۱۸ میلادی کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد که بر میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نظارت می‌کند، نظر عمومی شماره سی و ششم خود را در مورد رعایت حق حیات که توسط ماده ۶ میثاق صیانت می‌شود، صادر کرد. کمیته حقوق بشر بیان کرد که: «وظیفه دولت‌ها برای حفاظت از جان

42- Women, children, poor people, members of indigenous and traditional communities, people with disabilities, ethnic, racial or other minorities, and even displaced people.

به این معنا است که دولت‌های عضو باید اقدامات مناسبی را برای رسیدگی به شرایط عمومی جامعه که ممکن است منجر به تهدید مستقیم زندگی شود یا مانع از برخورداری از حق زندگی آن‌ها شود، اتخاذ کنند.^{۴۳} تخریب محیط زیست، تغییرات آب و هوایی^{۴۴} و توسعه ناپایدا برخی از مهم‌ترین و جدی‌ترین تهدیدها برای توانایی نسل‌های کنونی و آینده برای برخورداری از حق زندگی هستند. بنابراین، تعهدات کشورهای عضو تحت قوانین بین‌المللی محیط زیست باید محتویات ماده ۶ میثاق را تبیین کند و تعهدات کشورهای عضو برای احترام و تضمین حق حیات نیز باید منعکس‌کننده تعهدات دولت‌ها تحت قوانین بین‌المللی محیط زیست باشد.

در آگوست ۲۰۱۹ میلادی، کمیته حقوق بشر^{۴۵} برای اولین بار اعلام کرد که یک دولت در محافظت از افراد در برابر آسیب‌های زیست محیطی، حق زندگی را نقض کرده است. به‌طور خاص، با استناد به پرونده ای^{۴۶} علیه پاراگوئه^{۴۷} که در آن بخور دادن مواد شیمیایی سمی در مزارع کشاورزی باعث جراحات و مرگ شد، کمیته اعلام کرد که: «دولت موظف است مسئولین را مورد بررسی و تحریم قرار دهد تا به قربانیان، غرامت بپردازد و اقداماتی را برای جلوگیری از تخلفات مشابه در آینده اتخاذ کند» (CCPR, 2019).

پرونده‌های زیست محیطی بیشتری نزد نهادهای معاهداتی حقوق بشری در حال بررسی است. از جمله دو ادعای مربوط به موضوع تغییرات آب و هوایی، دادخواستی از سوی ساکنان تنگه تورس علیه استرالیا^{۴۸} در نزد کمیته حقوق بشر و ادعای گرتاتونبرگ^{۴۹} و پانزده نوجوان و کودک علیه آرژانتین، برزیل، فرانسه، آلمان و ترکیه در نزد کمیته حقوق کودک در می‌سال ۲۰۱۲ میلادی را می‌توان نام برد. بسیاری از کارشناسان مستقل و گزارشگران ویژه منصوب توسط شورای حقوق بشر و سلف آن، کمیسیون حقوق بشر، در محدوده وظایف خود به مسائل زیست محیطی پرداخته‌اند.

بین سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۲۲ میلادی شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد و مجمع عمومی

43- GC36, CCPR-2018, para 26

44- Climate change

45- Human Rights Committee

46- Portillo Caceres

47- case of Portillo Caceres and Others v. Paraguay

48- Torres Strait Islanders vs. Australia

49- Greta Thunberg

قطعنامه‌هایی را به تصویب رساندند که به صراحت، حق داشتن محیط زیست پاک، سالم و پایدار را به رسمیت می‌شناسند. این به رسمیت شناختن در راستای توسعه اسناد منطقه‌ای حقوق بشری بوده است که قبلاً این حق را در خود گنجانده بودند. بنابراین، جای تعجب نیست که در چهارمین اجلاس سران شورای اروپا که در ۲۰۲۳ میلادی در ریکاویگ^{۵۰} برگزار شد، سران دولت‌ها از فوریت نیاز به تلاش‌های بیشتر برای حفاظت از محیط زیست و همچنین مقابله با تأثیر بحران سه گانه سیاره‌ای (آلودگی، تغییرات آب و هوایی و از دست دادن تنوع زیستی) بر حقوق بشر، دموکراسی و حاکمیت قانون، استقبال کردند. به دنبال اعلامیه ریکاویگ^{۵۱}، در ژانویه ۲۰۲۴ میلادی دبیر کل، یک نهاد جدید برای حقوق اجتماعی، بهداشت محیط زیست در اداره کل حقوق بشر و حاکمیت قانون^{۵۲} و به ویژه برای پیگیری روند ریکاویگ و محیط زیست ایجاد کرد. در نتیجه، یک کارگروه در مورد محیط زیست تشکیل شد که اولین وظیفه آن بررسی فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده برای اقدامات جدید است. در نتیجه، تأمل در ماهیت، محتوا و پیامدهای حق برخورداری از یک محیط امن، پاک، سالم و پایدار در حال انجام است و پاسخ‌ها و واکنش‌های مثبتی در سطح ملی نیز ملاحظه می‌شود.

این واقعیت است که به رسمیت شناختن نتیجه یک درک مشترک یا جهانی از محتوای ماهوی حق برخورداری از محیط زیست سالم در میان کشورهای عضو شورای اروپا نیست. این یک واقعیت در حال تحول و بی‌ثبات است، زیرا تغییرات سریع هستند. همان‌طور که انبوه دعاوی در انتظار بررسی در دادگاه‌های کشورهای عضو شورای اروپا، حاکی از آن است که کشورهای عضو شورای اروپا، تشویق می‌شوند که حق برخورداری از محیط زیست سالم به‌عنوان یک حق کلیدی بشر مورد توجه قرار گیرد. اعلامیه ریکاویگ، این هدف را به تعهدی برای بررسی فعالانه به رسمیت شناختن حق برخورداری از یک محیط پاک، سالم و پایدار در سطح ملی به‌عنوان حق کامل انسانی تبدیل نمود.

فقدان یک تفاهم مشترک، هرگز مانع نشده است که دادگاه حقوق بشر اروپا به تدریج رویه قضایی خود را در مورد محیط زیست یا هر موضوع دیگری تقویت کند. طبق نظر گزارشگر ویژه، برخی از کشورهای عضو از این عدم درک مشترک و جهانی به‌عنوان دستاویزی برای فاصله گرفتن از کار شورای اروپا در این زمینه یا حتی انکار مشروعیت یا ارزش افزوده آن بهره می‌برند. به نظر می‌رسد، فقدان یک درک مشترک،

50- Reykjavik

51- Reykjavik Declaration

52- Directorate General of Human Rights and Rule of Law

نشان می‌دهد که واقعاً زمان آن فرارسیده که کشورهای عضو محتوای این حق و کارکرد آن را در چهارچوب اروپایی تعریف کنند. این امر به آن‌ها اجازه می‌دهد تا درک خود را در امتداد خطوط مشترک روشن نمایند و درعین حال آن‌ها را در تصمیم‌گیری در مورد نحوه انجام تعهدات خود مختار می‌نماید. تصمیمات نهایی در مورد پیگیری اهداف زیست محیطی اجلاس ریکاویگ بر عهده دولت‌ها است. اعلامیه ریکاویگ، حاوی یک ویژگی واقعاً نوآورانه است، یعنی فراخوانی برای ایجاد کمیته جدید بین دولتی در زمینه محیط زیست و حقوق بشر تلقی می‌شود. این اعلامیه، تصدیق می‌کند که شورای اروپا هم ابزارهایی و هم ساختارهایی را برای پرداختن به حقوق بشر و محیط زیست با روحیه همکاری و یا به اشتراک گذاشتن تجربه و عملکرد امیدوارانه، در اختیار دارد.

کمیته ریکاویگ، باید نقش خلاقانه‌ای ایفاء نماید و از ظرفیت‌ها و منابع موجود بهره‌برد. اولین مورد کمک در راستای ایجاد پذیرش اجتماعی از سیاست‌های زیست محیطی از طریق مشارکت کامل شهروندان در سطح ملی است. دومین مورد، ارتقاء توسعه تیم‌های تخصصی محیط زیستی در تمام سطوح حکومتی و در نتیجه بهبود پتانسیل پاسخگویی می‌باشد. سومین مورد، مربوط به افزایش در عمل حفاظت قانونی برای مدافعان زیست محیطی است. کمیسر حقوق بشر شورای اروپا، توصیه‌هایی را در مورد روشی ارائه کرده است که از طریق آن دینفعان می‌توانند بهتر از کار خود محافظت و حمایت کنند. شروع به چنین پروژه بلندپروازانه‌ای نیازمند ابزارهای تحلیلی، لجستیکی و مالی عمده دارد.

برای کمیته ریکاویگ در بدو امر امکان‌پذیر نیست که بدون انجام یک مطالعه امکان‌سنجی برای تکمیل آن، اقدامی صورت پذیرد. شورای اروپا، مدل‌های قوی ایجاد کرده است که کارایی خود را ثابت کرده و می‌توانند الهام بخش باشند. پیگیری اعلامیه ریکاویگ، یک فرایند زنده است. در حال حاضر، این پیگیری فاقد یک عنصر الزام آور برای جمع‌آوری کلیه اقدامات است. می‌توان امیدوار بود که این مشارکت، منبع الهام بخشی باشد. این امر مستلزم اقدامات و تعهدات سیاسی قاطعانه همراه با منابع بودجه‌ای مورد نیاز برای ایجاد چهارچوب جامع و کارآمد شورای اروپا برای حفاظت از محیط زیست و مقابله با تأثیر تخریب آن بر حقوق بشر است (Parliamentary Assembly, 2024).

۴- حمایت قانونی از حق بر محیط زیست

در واقع، رابطه بین حقوق بشر و حفاظت از محیط زیست در حقوق بین‌الملل به دور از هر گونه سادگی و

صراحت است. اولین راه مدون شدن رابطه حقوق بشر و محیط زیست، از طریق به رسمیت شناختن حق بشر برای داشتن محیط زیست سالم است. حمایت قانونی از حقوق بشر به گونه‌ای فزاینده ابزاری در جهت نیل به حفاظت محیط زیست است. تحقق حقوق بشر و جلوگیری از نقض آن‌ها مستلزم وضع قواعد حقوقی الزام آور و دارای ضمانت اجرا می‌باشد که به موجب آن تابعان حقوق را به خودداری از نقض حریم این حق وادار نمایند و مشمول مجازات بدانند (حیبی، ۱۳۸۲، ۱۳۱).

حق برخورداری از محیط زیست رضایتبخش^{۵۳} به‌عنوان یک حق ماهوی را می‌توان «حق حمایت، حفاظت و بهبود محیط زیست فعلی به نفع انسان» دانست. اساساً این حق دارای ماهیت ماهوی و از منظر دیگر، انسان محوری است که هیچ ارزش ذاتی برای طبیعت قائل نیست، بلکه برای آن ارزشی مانند رزق و روزی زندگی برای انسان‌ها قائل است. ازسوی دیگر حق بر محیط زیست، بر این مفهوم استوار است که محیط زیست دارای حقوقی است که از ارزش ذاتی خود جدا و متمایز از استفاده انسان از محیط زیست است (Le Rodriguez, 2001, 12).

سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا محیط زیست به‌عنوان یک عنصر متمایز حقی است که در خور حمایت انسان باشد؟ یا حقوق زیست محیطی تماماً مربوط به حمایت از حق انسان‌ها در استفاده از محیط زیست بدون توجه به هر گونه ملاحظات اکومحوری است؟ همچنین، این پرسش مطرح می‌شود که، چرا باید حفاظت از محیط زیست به‌عنوان یک موضوع حقوق بشری در نظر گرفته شود؟ بدیهی است، دیدگاه حقوق بشری مستقیماً به تأثیرات زیست محیطی بر زندگی، سلامت، زندگی خصوصی، دارایی و تک تک افراد می‌پردازد. این موضوع ممکن است مبتنی بر تضمین استانداردهای بالاتر کیفیت زندگی بر اساس تعهدات دولت‌ها به اتخاذ تدابیر جهت کنترل آلودگی‌های مؤثر بر سلامت و زندگی خصوصی افراد، باشد. مهم‌تر از همه موضوع حاکمیت قانون در این زمینه است، چرا که دولت‌ها مستقیماً در قبال ناتوانی در تنظیم و کنترل آسیب‌های زیست محیطی از جمله ناشی از ضررهای ناشی از فعالیت‌های خصوصی، تسهیل دسترسی افراد به عدالت و اجرای قوانین زیست محیطی، پاسخگو می‌باشند (Boyle, 2012, 614).

بنابراین، نکته حائز اهمیت، سبزسازی قوانین حقوق بشری^{۵۴} است. در واقع موضوع اصلی، اضافه شدن

53- Satisfactory environment

54- Greening human rights laws

حقوق جدید به معاهدات موجود نیست. لذا تا امروز، تمرکز اصلی رویه‌های قضایی، بر حق زندگی، زندگی خصوصی، بهداشت، آب و مالکیت بوده است. برخی از معاهدات اصلی حقوق بشری نیز دارای مفاد زیست محیطی خاصی هستند که معمولاً با عبارات نسبتاً محدود دربردارنده موضوعاتی درباره سلامت انسان هستند.^{۵۵} پرونده‌های زیست محیطی نشان می‌دهند که چگونه می‌توان از حق زندگی خصوصی یا حق زندگی برای وادار کردن دولت‌ها، استفاده کرد تا خطرات زیست محیطی را تحت قوانین کاهش دهند، قوانین زیست محیطی را اجرا کنند و اطلاعات زیست محیطی را در دسترس همگان قرار دهند.^{۵۶}

البته همه مباحث حقوق محیط زیست در حال حاضر، در معاهدات اصلی حقوق بشری یافت نمی‌شود. هر گونه در نظر گرفتن حقوق محیط زیست، باید منجر به توسعه توجه به محیط زیست، در معاهدات گردد و ممکن است لازم باشد معاهدات حقوق بشری با توجه به آن تفسیر و اعمال گردد.^{۵۷} به‌رغم رویکردهای متفاوت دولت‌ها در مورد این موضوع، ضرورت ایجاد چهارچوب قانونی الزام آور به وضوح محسوس است تا این که این حق در حقوق بین‌الملل، تثبیت شود و نیاز به حمایت از حق برخورداری از محیط زیست سالم به‌عنوان یک حق بشری به شیوه‌ای منسجم، برآورده گردد.

نتیجه

حمایت از حقوق بشر مستلزم تلاش و همکاری‌های تمام کشورهای جهان است و به همین دلیل نام حقوق همبستگی را برای این نسل از حقوق بشر انتخاب کرده‌اند. اهمیت محیط زیست برای تحقق حقوق بشر به‌طور گسترده در حقوق بین‌الملل پذیرفته شده است. اما، هیچ یک از اسناد بین‌المللی حقوق بشری، حق بر محیط زیست را صراحتاً تحت عنوان یک حق شناسایی نکرده است. در این راستا، صرفاً با یک سری اسناد بین‌المللی جزء حقوق نرم مواجه هستیم که به ارتباط حقوق بشر و حقوق محیط زیست اشاره دارند. در حال حاضر، تقریباً در نیمی از قوانین اساسی کشورها در سرتاسر جهان به آن اشاره شده است و همچنین اسناد حقوق بشری منطقه‌ای نیز به آن اشاره کرده‌اند و حق برخورداری از یک محیط زیست

55- E. G. ICESCR, 1996. ART 12: European social charter 1961, Art 11: additional protocol to the AMCHR 1988. Art 11: convention on the rights of the child 1989. Art 24 (2) (c).

56- Lopez Ostra. v Spain 20 EHRR (1994) 277; Guerra v. Italy, 26 EHRR (1998) 357, Eadeyera. v. Russia 45 EHRR (2007) 10; Oneryildiz v. Turkey 41 ECTCHR, at para 88.

57- 1996 Vienna convention on the law of Treaties (VCLT), Art 31 (3) (c).

سالم، پاک و به لحاظ اکولوژیکی متعادل را به عنوان یک حق مستقل بشری می‌داند.

بررسی و تحلیل آراء و رویه‌های قضایی نیز حاکی از این است که، در این پرونده‌ها، با وجود آگاهی از اهمیت حفظ محیط زیست و اثرات و تبعات ناشی از تخریب و آلودگی محیط زیست بر حیات بشری، تلاش به سزایی برای شناسایی حق بر محیط زیست به عنوان یک حق بشری انجام نشده و مراجع رسیدگی کننده به این پرونده‌ها صرفاً به اهمیت این موضوع اشاره نموده و تلاش کرده‌اند تا پرونده را از رهگذر اصول و مقررات موجود و با کمک مفاهیم و اصول شناخته شده دیگر در عرصه حقوق بین‌الملل، حل و فصل نمایند.

البته تلاش‌ها حاکی از تغییر گرایش جامعه بین‌المللی از انسان محوری به اکوسیستم محوری می‌باشد که شاید این امر زمینه ساز حفاظت مؤثرتر و کارآمدتر محیط زیست گردد. صرف به رسمیت شناختن حقوق بشر در اسناد قانونی جهت پاسداری کافی نیست، بلکه تضمینات رویه‌ای، ساختاری و کاربردی در جامعه باید تعبیه شود که در این راستا، اجرای شاخصه‌های حکمرانی مطلوب به عنوان راهبردی کارآمد می‌تواند از حقوق بنیادین بشری صیانت نماید.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

فارسی

- امیری، مجاهد؛ رئیسی، لیلا؛ راعی، مسعود، ۱۳۹۹، اجرای تعهدات کشورها نسبت به حق بر محیط زیست سالم مطالعه موردی سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، **فصلنامه مطالعات بین‌المللی**، شماره ۶۷.
- پوره‌اشمی، سیدعباس و ارغند، بهاره، ۱۳۹۲، **حقوق بین‌الملل محیط زیست**، چاپ اول، تهران، انتشارات دادگستر.
- حبیبی، محمدحسن، ۱۳۸۲، حق برخورداری از محیط زیست سالم به عنوان میراث مشترک بشریت، **فصلنامه**

دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۵۱۵.

- جلالیان، عسکر، ۱۴۰۰، تحلیل فقهی اخلاقی حق بر محیط زیست سالم به‌عنوان یک حق انسانی، **فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی**، شماره ۴۵.
- جمالی، حمیدرضا و فولادی وندا، صفیه، ۱۳۹۹، آلودگی صنعتی و حق بر محیط زیست رویکردی به اسناد بین‌المللی، **فصلنامه تمدن حقوقی**، شماره ۷.
- زکوی، مهدی، ۱۴۰۲، تحلیلی بر حفاظت از محیط زیست از منظر حقوق بشر، **فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی**، شماره ۲۸.
- گروه صلح کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی یونسکو، ۱۳۸۹، **حقوق زیست محیطی بشر**، چاپ اول، تهران، انتشارات دادگستر.
- گوندلینگ، لوتار؛ هویسمان، جی دبلیو؛ هلپاپ، ای‌ای؛ شلتون، دینا، ۱۳۸۱، **حقوق محیط زیست**، مترجم محمدحسن حبیبی، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- نادری، شیما و مطلبی، مجید، ۱۴۰۱، حمایت کیفری از حق بر محیط زیست، **فصلنامه تمدن حقوقی**، شماره ۱۰.

لاتین

- Boyle, Alan, 2012, Human right and the environment: where next? The European journal of international law, EJIL, vol.23, No. 3.
- Dejeant-pons, Maguelonne., Pallemarts, Marc., Fioravanti, Sara, 2002, Human rights and the environment, Book published by the council of Europe with the collaboration of the ministry of social affairs, public and environment to Belgium, June.
- Kamble, R.M, 2017, Human rights and environment. International education & Research journal (IERJ) March, Volume. 3.
- Ksentini, Fatma Zohra, 1994, Human rights and the environment, Final report prepared, special rapporteur, un Doc, E.CN, sub 2.
- Le Rodriguez, Rivera, 2001, is the human right to environment recognized under international law? it depends on the source¹² (Colorado) international environmental law and policy 1.
- Moynier, Villa, 2024, The human right to a clean, healthy and sustainable environment: understanding its scope, states obligation and links with other human rights, Geneva academy: Academy of international humanitarian law and human right, and university of Geneva, faculty of law.

- Norouzi, Nima., Sheikhi, Mohammd, 2021, Achieving sustainable development from the prespective of international environmental law, Eurasian journal of environmental research (EJERE) June, vol 5, issue 1.
- Parliamentary Assembly, 2024, mainstreaming the human right to a safe, clean, healthy and sustainable environment with the REYJAVIK Process, Report of committee on social affairs, health and sustainable development, Rapporteur: Mr. Simon MOUTQUIN, Belgium, Socialists, Bemocarts and Green group. Reference 4753 of 23 june 2023, Doc 15955 report.
- Petres, Anne., Wolfrum, Rudiger, 2021, clean and healthy environment, Right to international protection, Max plank encyclopedia of international law.
- Polycarpa Amechi, Emeka, 2009, Enhancing environmental protection and socio-economic development in Africa: A Fresh look at the right to a general satisfactory environment under the African charter on human and people's right 5 (1) law, environment and development.
- Zamfri, lonel, 2021, A universal right to a healthy environment. European parliament research service (EPRS).

An Analysis of Key Changes in UCP 500 Compared to UCP 600

Homayoun Mafi, Sodabeh Asadian

Judicial Justice in Islamic Criminal Laws

Abolfath Khaleghi, Maryam Khalil Dokht

The Effects of the Pandemic on the Expansion of Terrorism

Mohsen Molaei Fard, Hadi Masoudi Far

Female Victimization Within the Family: Strategies and Foundations for Criminal Protection

Sayyed Alireza Mirkamali, Zahra Mahmoudi, Omid Zeynali

Challenges and Strategies for Implementing Hijab and Chastity

Mahmoud Habibi Tabar, Narges Zandi Aliabadi

Criticism of the Regulations of Article 3 of the Law on the Obligation to Officially Register Real Estate Transactions

Kousar Nazari, Ebrahim Yaghouti

A Comparative Study of the Principle of Good Faith in Iranian and French Law Based on the 2016 Reforms

akbar azimi

Recognition of the Right to the Environment in the Light of International Documents and Judicial Procedures

Mona Davanlou

Reflection on the Trend of Artificial Intelligence in Crime Prevention

Ali Najafi, Sayyed Mohsen Mousavi Far

Feasibility of Criminal and Legal Prosecution of Government Officials in Violation of Citizens' Right to Health

Abolhasan Jannati, Zainab Hashemi Baghi

A Comparative Critique and Analysis of the Nature of Smart Contracts in the Legal Systems of Iran and the United States of America

Amal Solimani, Maryam Eskandari

Comparative Analysis of the Crime of Aggressive Possession of Movable Property in Iranian and English Law:

Principles, Elements and Enforcement Guarantees

Amir Mohammad Mahrokh, Saeid Babaei

Peace Within Iran's Laws, a Comparative Analysis with Other Ways of Dispute Resolution

Mohammadbagher Parsa Pour, Azam Lotfi Neyestanek

Legal Effects and Consequences of Invoking the Rule of Necessity in International Law

Sayyed Mohammad Pedram Bathaei

Analysis of Crimes Related to Speculation Iranian and French Criminal Law

Vahid Kioumars

Comparative Study of Damage Caused by Damage in Iranian Law and International Sale of Goods Convention

Amirmohammad Tavakoli, Setayesh Haj Rajabali Tehrani

A Comparative Analysis of Unilateral Sanctions and Security Council Sanctions: Legal Analysis and Extraterritorial Implications

Sayyed Foad Alavi, Ali Taghi Zadeh, Mohammad Javad Ghasabi Fard

Crimes and Accidents Arising from Work in Iranian and French Law

Sima Soudagar

The Legal Status of the Use of Chemical Weapons by Iraq Against Iran from the Perspective of International Law

Sara Farzadi Mehr, Mojtaba Nazif, Qasim Moghadamian, Esmaeil Amouri

Criminal Policy Alternatives to Imprisonment in Crimes of the United States Armed Forces

Amirhasan Abolhasani, Sayyed Yahya Alavi, Elham Zare

Contract for the Carriage of Goods in the Legal Systems of Iran and France

Mahshid Sadat Tabaei, Fahimeh Taherloo

Establishing Rules of Artificial Intelligence in Combating Money Laundering and Asset Recovery

Ali Moyed Ahmadi, Amirreza Mahmoudi

Ownership of Mars from the Perspective of the 1967 Outer Space Treaty: Legal Analysis of Conflicts and Solutions

Mahdi Gharedaqui

Analysis of the Iranian Legislator's Criminal Policy Against Terrorist Crimes: Challenges and Solutions

Mostafa Rezaei

Conflict of Principles Governing Urban Lands with Property Rights in the Iranian Legal System

Sayyed Mohammadbagher Haghighyeghi, Farzin Yazdan Panah, Hamidreza Konari Zhadeh

A Jurisprudential-Legal Analysis of the Non-Enforceability of the Wife's Right to Divorce Clause in Marriage Contracts

Vahid Parsaei Daadras

The Position of Contract Interpretation in the Iranian Legal System

Aslan Alizadeh, Esmaeil Hoseini

Implementing the Decisions of the Court of Arbitration for Sport at the National Level

Sepideh Ahmadian Fard

Compensation for Personal Loss in Quasi-Crimes and its Examples in Criminal Laws: A Legal and Judicial Review

Meysam Hasani Zadeh

A Jurisprudential and Legal Study of Artificial Insemination in Iran

Fatemeh Moezzi, Hanieh Akbari, Hadi Rousta